



Study of Play-Based Curriculum in Preschool Based on Montessori Theory

Hamze Abar ^{*1}, Sara Delfani ²

¹ Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Mazandaran, Iran

² Bachelor of Education Student, Shafaq Institute of Higher Education, Mazandaran, Iran

* **Corresponding author:** hamzeh.abar@yahoo.com

Received: 2025-10-25

Accepted: 2025-11-21

Abstract

The aim of the present study is to study the play-based curriculum in preschool with an emphasis on the Montessori approach and theory. The importance of paying attention to play, as the main and natural context for children's learning in preschool, has been the focus of many educational theorists in recent years. Montessori theory, with its emphasis on active learning, freedom of choice, respect for individual differences, and a prepared learning environment, provides a rich framework for developing and implementing a play-based curriculum. In this study, using a qualitative approach and the method of content analysis of authentic documents and texts, the most important dimensions and components required in designing such a curriculum have been identified. The findings showed that components such as providing an appropriate learning environment, practical educational tools, freedom in choosing activities, the guiding role of the instructor, positive social interaction, and formative assessment are among the requirements for implementing a play-based curriculum based on Montessori theory. Accordingly, it can be concluded that utilizing the aforementioned components can pave the way for comprehensive development, improve cognitive, social, and emotional skills, and facilitate the learning process of preschool children.

Keywords: curriculum, play-based, Montessori, preschool

© 2023 Journal of Mental Health in School (JMHS)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Abar, H., & Delfani, S. (2025). Study of Play-Based Curriculum in Preschool Based on Montessori Theory. *JMHS*, 3(3): 111-117.





بررسی برنامه درسی بازی محور در دوره پیش دبستانی بر مبنای نظریه مونته سوری

حمزه آبار^{۱*}، سارادلفانی^۲

^۱ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، مازندران، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، موسسه آموزش عالی شفق، مازندران، ایران

* نویسنده مسئول: hamzeh.abar@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی برنامه درسی بازی محور در دوره پیش دبستانی با تأکید بر رویکرد و نظریه مونته سوری است. اهمیت توجه به بازی، به عنوان بستر اصلی و طبیعی یادگیری کودکان در سنین پیش از دبستان، در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از نظریه پردازان حوزه آموزش قرار گرفته است. نظریه مونته سوری با تأکید بر یادگیری فعال، آزادی انتخاب، احترام به تفاوت‌های فردی و محیط یادگیری آماده، چارچوبی غنی برای تدوین و پیاده‌سازی برنامه درسی بازی محور فراهم می‌آورد. در این پژوهش، با استفاده از رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای اسناد و متون معتبر، مهم‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های مورد نیاز در طراحی چنین برنامه درسی شناسایی شده است. یافته‌ها نشان داد که مؤلفه‌هایی از جمله فراهم‌سازی محیط یادگیری متناسب، ابزار آموزشی عملی، آزادی در انتخاب فعالیت‌ها، نقش هدایت‌کننده مربی، تعامل اجتماعی مثبت، و ارزیابی تکوینی، از الزامات تحقق برنامه درسی بازی محور بر اساس نظریه مونته سوری هستند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که بهره‌گیری از مؤلفه‌های مذکور می‌تواند زمینه‌ساز رشد همه‌جانبه، ارتقای مهارت‌های شناختی، اجتماعی و عاطفی، و تسهیل فرآیند یادگیری کودکان پیش دبستانی شود.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، بازی محور، مونته سوری، پیش دبستانی

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه سلامت روان در مدرسه محفوظ است.

شيوه استناد به این مقاله: آبار، حمزه و دلفانی، سارا. (۱۴۰۴). بررسی برنامه درسی بازی محور در دوره پیش دبستانی بر مبنای نظریه مونته سوری. فصلنامه سلامت روان در مدرسه، ۳(۳): ۱۱۷-۱۱۱.

مقدمه

تعادل، سینه‌خیز رفتن یا خزیدن و راه رفتن، به تدریج به سوی مرحله ادراکی می‌روند. هرچند حس شنوایی و عضلانی -لمسی نیز در مرحله ادراکی نقش مهمی دارد، اما واسطه اصلی یادگیری در این مرحله به طور معمول ادراک دیداری است (Celedonio, 2025).

هر دو مرحله مذکور پایه و اساس پیشرفت و ارتقای کودک به سطح شناختی است. در این مرحله، توانایی درک مفاهیم و کسب

نظریه‌ها و پژوهش‌های مربوط به رشد کودک، نشان می‌دهد که کودکان از آغاز تا بلوغ، از مراحل مختلف رشد می‌گذرند. در خلال شیرخوارگی و کودکی، اول مرحله حسی حرکتی پشت سر گذاشته می‌شود. در این مرحله، کودک به مدد حس و جنبش و در حیطه حرکتی درباره محیط اطراف خود به تجربه می‌پردازد. کودکان با لمس کردن، چنگ‌زدن و گرفتن، رها کردن، حفظ-

در برنامه درسی سنتی، معمولاً نقش کودک منفعل و محدود به گوش دادن و تکرار است، اما در برنامه درسی بازی محور مبتنی بر مونتسوری، کودک با انتخاب آزاد فعالیت‌ها، فرصت تجربه، تحقیق و یادگیری مستقل را می‌یابد. این ویژگی‌ها موجب رشد عزت نفس، خودکارآمدی، خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی کودک می‌شود. با وجود تأیید نظری و تجربی اهمیت بازی و رویکرد مونتسوری، برنامه‌های آموزشی رسمی و غیررسمی دوره پیش‌دبستانی در ایران عمدتاً از الگوهای سنتی یا تجاری الگو می‌گیرند و کمتر به طراحی علمی و بومی‌شده بر مبنای نظریه‌های غنی توجه دارند. بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که ابعاد و مؤلفه‌های بازی محور، به ویژه بر اساس رویکرد مونتسوری، به طور نظام‌مند در اسناد برنامه درسی پیش‌دبستانی ایران شناسایی و تبیین نشده است. این موضوع می‌تواند به نبود انسجام، تداخل اهداف و ضعف اثربخشی برنامه‌های آموزشی در این مقطع حساس منجر شود (Mwinsa & Dagada, 2025). از این رو، شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی برنامه درسی بازی محور مبتنی بر رویکرد مونتسوری، هم از حیث نظری و هم عملی، حائز اهمیت بسیار است. این شناخت می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی در طراحی، ارزیابی و اصلاح برنامه‌های مناسب برای رشد جامع کودکان پیش‌دبستانی یاری برساند.

با توجه به مباحث ذکر شده، سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از:

ابعاد و مؤلفه‌های اصلی برنامه درسی بازی محور در دوره پیش‌دبستانی بر مبنای نظریه مونتسوری کدامند و چگونه می‌توان آن‌ها را شناسایی و تبیین نمود؟ پژوهش حاضر بر آن است تا از طریق تحلیل مبانی نظری و اسناد علمی در حوزه آموزش پیش‌دبستانی، ابعاد و مؤلفه‌های اساسی برنامه درسی بازی محور بر اساس نظریه مونتسوری را استخراج و معرفی نماید. نتایج این پژوهش می‌تواند به طراحی الگوهای بومی شده و علمی، ارتقای کیفیت آموزش پیش‌دبستانی، و پرورش نسل خلاق، مستقل و توانمند در جامعه ایرانی یاری رساند.

مبانی نظری

برنامه درسی بازی محور در آموزش دوره پیش‌دبستانی از جدیدترین و مهم‌ترین رهیافت‌های حوزه آموزش و پرورش در جهان است. نظریه‌های متعددی بر اهمیت بازی در یادگیری کودکان پیش‌دبستانی تأکید کرده‌اند، اما نظریه مونتسوری به‌خاطر جامعیت و ساختار مشخص، جایگاه ویژه‌ای دارد. در این بخش، به تبیین اصول و ابعاد نظری مرتبط با رویکرد مونتسوری و برنامه درسی بازی محور پرداخته می‌شود:

مهارت‌هایی مانند نمادینه کردن، انتزاع، بیان کلامی، خواندن و... در کودک پدید می‌آید، معلوم شده که به نسبت شکست و پیروزی و نیز با توجه به مراحل رشد، اجرای برنامه‌های توسعه مهارت‌های حرکتی ادراکی موجب رشد و تکامل خودپنداره و تصور بدنی در کودک می‌شود. همینکه کودک در انجام فعالیت‌های موفق شود، به تلاش بیشتر برای پرداختن دیگر تکالیف برانگیخته خواهد شد. در نتیجه در کودک حس اعتماد به نفس پدید می‌آید و می‌کوشد تا کارهای دشوارتری را به انجام رساند و به این وسیله به سطح یادگیری شناختی می‌رسد. کودکی که مدام در کارهای شکست بخورد، در پاس مناسب به شرایط درمانده شده و در یادگیری با دشواری‌هایی روبرو می‌شود. کودکی دوره شکل‌گیری شالوده‌های شخصیتی، ذهنی و اجتماعی انسان است. در میان دوره‌های مختلف رشد، پیش‌دبستانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که اساس مهارت‌های بنیادین یادگیری و اجتماعی شدن در این مقطع بنا نهاده می‌شود. برنامه‌ریزی آموزشی و تدوین برنامه درسی متناسب با نیازها، ویژگی‌ها و استعدادها کودکان در این سن، جایگاهی اساسی در موفقیت‌های آتی زندگی آنان دارد (Esteban, 2025).

یکی از اصول کلیدی آموزش اثربخش در دوره پیش‌دبستانی، بهره‌گیری از بازی به عنوان ابزار اصلی آموزش است. پژوهش‌های متعددی تأکید دارند که بازی، مهم‌ترین و طبیعی‌ترین فعالیت کودک بوده و در رشد ذهنی، جسمانی، اجتماعی و عاطفی وی نقش بی‌بدیل دارد. محیط آموزشی مبتنی بر بازی، امکان تجربه، آزمون و کشف را برای کودک فراهم می‌سازد و انگیزه یادگیری را به شکل درونی تقویت می‌کند (Novida, 2025).

با توجه به رشد شتابان علوم تربیتی، رویکردهای نوین برنامه‌ریزی درسی از جمله یادگیری فعال، فردمحور و بازی محور مورد توجه قرار گرفته‌اند. یکی از جامع‌ترین نظریه‌ها در این حوزه، نظریه آموزشی ماریا مونتسوری است که مبتنی بر اصل آزادی کودک در انتخاب فعالیت‌ها، فراهم‌سازی محیط آماده و نقش تسهیل‌گر مربی می‌باشد (Muthuwela & Danthanarayanage, 2025). از سویی نظریه مونتسوری بر یادگیری کودک محور و فعال تأکید دارد. بر اساس این رویکرد، محیطی غنی و ساختارمند، ابزار و مواد آموزشی متنوع و مناسب و فرصت تجربه عملی، اساسی هستند. مربی در این رویکرد، به عنوان راهنما و تسهیل‌گر روند یادگیری فعالیت می‌کند، نه صرفاً انتقال‌دهنده دانش. بازی در نگاه مونتسوری چیزی فراتر از سرگرمی است و خود یادگیری محسوب می‌شود؛ ابزارها و مواد آموزشی، محیط و تعامل اجتماعی، همگی در قالب بازی و فعالیت عملی معنا می‌یابند (Liu, 2025).

مفاهیم مختلف را بیاموزند. این ابزار عمدتاً ساده، عینی و قابل فهم هستند و حس‌های مختلف کودک (لمس، بینایی، شنوایی و ...) را درگیر می‌کنند. هدف از این مواد، تسهیل یادگیری حسی و مفهومی، افزایش مشارکت فعال کودک و فراهم آوردن فرصت "یادگیری با دست" است. نمونه‌هایی از این ابزار می‌توان به جورچین‌ها، قاب‌های آموزشی، مواد ریاضی و علمی مونتئسوری اشاره کرد (Hasan, Silva & Sima, 2025).

فعالیت‌های خودمحور و فردی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها، آزادی کودک در انتخاب نوع، مدت و روند فعالیت است. در کلاس مونتئسوری، کودکان امکانات لازم برای انتخاب فعالیت مورد علاقه خود را دارند و می‌توانند با سرعت و علاقه شخصی پیش روند. این شیوه باعث می‌شود که هر کودک با توجه به نیازها، علایق و آمادگی خود به یادگیری بپردازد و تجربه‌ای منحصر به فرد از آموزش داشته باشد. همچنین روحیه مسئولیت‌پذیری، تصمیم‌گیری و تمرکز در کودک تقویت می‌شود.

ارزشیابی تکوینی و کیفی

در رویکرد مونتئسوری به جای آزمون و نمره‌دهی سنتی، رشد، پیشرفت و یادگیری کودک در حین فعالیت‌ها توسط معلم مشاهده و مستندسازی می‌شود. ارزشیابی به‌شکل مستمر و فرآیندی بوده و بیشتر بر سیر تحول فردی، مهارت‌آموزی، میزان درگیر شدن کودک با مواد آموزشی و توسعه مهارت‌ها تمرکز دارد. هدف این ارزشیابی، شناخت بهتر استعدادها و نیازهای هر کودک و بهبود فرآیند یادگیری او است، نه صرفاً مقایسه با دیگران (Fox, Lang & Tebben, 2025).

آموزش مهارت‌های اجتماعی و زندگی عملی

در برنامه مونتئسوری، بخشی از محیط و مواد آموزشی به آموزش مهارت‌های عملی زندگی اختصاص یافته است. فعالیت‌هایی مانند بستن بند کفش، ریختن آب در لیوان، آداب معاشرت، همکاری و احترام به نوبت و دیگران به کودکان آموزش داده می‌شود. این مهارت‌ها سبب تقویت استقلال فردی، نظم، دقت، احترام به قوانین و بهبود روابط اجتماعی در کودکان می‌گردد.

تشویق به استقلال و خودکارآمدی

انگیزه‌بخشی به استقلال کودک و باور به توانایی‌های فردی از اصول جدایی‌ناپذیر مونتئسوری است. کودکان تشویق می‌شوند که بدون اتکا به بزرگ‌ترها، بسیاری از امور خود را مدیریت

اهمیت بازی در یادگیری کودک

بازی برای کودک نه‌فقط سرگرمی، بلکه شیوه‌ای طبیعی برای یادگیری، جستجو، آگاهی از خود و کشف محیط پیرامون است. ویگوتسکی و پیازه نیز بازی را عامل اصلی رشد شناختی و اجتماعی کودک می‌دانند. از جمله کارکردهای مهم بازی در این دوره می‌توان به افزایش تمرکز، تقویت تعاملات اجتماعی، رشد زبان، و پرورش مهارت‌های حرکتی اشاره کرد (Saari & Baker, 2025).

روش پژوهش

پژوهش حاضر کیفی و مبتنی بر روش **تحلیل محتوای اسنادی و متون تخصصی** است. برای این منظور، منابع نظری، کتب مرتبط با برنامه درسی پیش‌دبستانی و مونتئسوری، مقالات علمی-پژوهشی و اسناد رسمی آموزشی مورد بررسی قرار گرفته است تا ابعاد و مؤلفه‌های برنامه درسی بازی‌محور بر مبنای نظریه مونتئسوری شناسایی و دسته‌بندی شود. استخراج داده‌ها براساس دسته‌بندی موضوعی و کدگذاری مضمون‌محور صورت گرفته است. معیار انتخاب منابع نیز قابلیت استناد، جامعیت و اعتبار علمی آن‌ها بوده است.

یافته‌ها

ارتباط نظریه مونتئسوری با سایر نظریه‌ها

نظریه مونتئسوری اگرچه ریشه در اصول تجربی و مشاهداتی دارد، با بسیاری از اندیشه‌های نوین آموزش، چون نظریه‌های ساخت‌گرایی (ویگوتسکی، برونر)، یادگیری فعال (دیویی)، و بازی به عنوان ریشه رشد شناختی (پیاژه)، هم‌راستا است (Mirshamsi, Abadi & Asli, 2024).

محیط یادگیری ساختارمند و جذاب

در رویکرد مونتئسوری، محیط یادگیری یکی از اصلی‌ترین ابزارها برای رشد همه‌جانبه کودک است. این محیط به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که ضمن داشتن نظم، ساختار و قوانین مشخص، برای کودک جذاب و محرک باشد. وسایل و مواد آموزشی به‌شکل مرتب و بر اساس طبقه‌بندی خاص در قفسه‌ها قرار می‌گیرند تا کودک بتواند به‌راحتی به آن‌ها دسترسی داشته باشد و پس از فعالیت، آن‌ها را سر جای خود بگذارد. فضای کلاس باید به گونه‌ای باشد که استقلال، آزادی عمل، حس امنیت و انگیزه برای یادگیری را در کودک تقویت کند.

ابزار و مواد آموزشی عملی و عینی

مواد آموزشی مونتئسوری به‌شکل ویژه‌ای طراحی شده‌اند تا کودکان بتوانند از طریق لمس، مشاهده، تجربه عملی و تکرار،

۱. **آموزش فعال:** کودک در فرایند یادگیری نقش فعال ایفا می‌کند و با استفاده از بازی، خود به کسب تجربه، مشاهده و آزمون می‌پردازد.

۲. **توجه به علایق و نیازهای فردی:** طراحی فعالیت‌های بازی محور با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی، استعدادها و علاقه‌مندی‌های هر کودک انجام می‌شود و از قالب‌های یکنواخت و خشک اجتناب می‌شود.

۳. **خودانگیزگی و لذت یادگیری:** بازی ابزار انگیزش درونی است و یادگیری در محیطی که کودک از آن لذت می‌برد عمیق‌تر و پایدارتر خواهد بود.

۴. **توسعه همه‌جانبه کودک:** بازی محوری موجب رشد همزمان بعد شناختی، اجتماعی، عاطفی، جسمانی و اخلاقی کودک می‌شود و نسل آینده را برای زندگی فردی و اجتماعی آماده می‌سازد.

انواع بازی و نقش آن‌ها در برنامه درسی

انواع بازی‌ها در سن پیش‌دبستانی، گسترده و متنوع‌اند:

- **بازی‌های حرکتی** (مانند دویدن، پریدن و فعالیت‌های گروهی) باعث تقویت مهارت‌های حرکتی و سلامت جسمانی می‌شوند.

- **بازی‌های نمادین و نقشی** (مانند خانه‌بازی، فروشگاه‌بازی) زمینه تمرین مهارت‌های اجتماعی و زبانی، تخیل و خلاقیت را فراهم می‌کنند.

- **بازی‌های دست‌ساز و ساختنی** (مانند لگو، جورچین و وسایل مونتئسوری) رشد تفکر منطقی، دقت و هماهنگی اعضا را تقویت می‌کنند.

- **بازی‌های قواعدمحور** (مانند بازی با قوانین ساده یا بازی‌های گروهی) به شکوفایی پایبندی به نظم، قواعد، رعایت نوبت و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی کمک می‌کند.

دیدگاه‌های نظری درباره برنامه درسی بازی محور

از مهم‌ترین نظریات پایه در توسعه و دفاع از برنامه درسی بازی محور به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- **پیاژه:** تأکید بر نقش بازی در تحول شناختی و فهم مفاهیم ریاضی، فیزیکی و روابط فضایی از طریق تجربه عملی و خطا و اصلاح.

- **ویگوتسکی:** توجه ویژه به بازی به عنوان متن اجتماعی یادگیری و موقعیتی برای گفت‌وگو، تعامل، همکاری و حل تعارض با دیگران.

- **اریکسون:** اعتقاد به نقش بازی در شکل‌گیری هویت، عزت نفس و احساس کفایت فردی، و همچنین آماده‌سازی کودک برای پذیرش نقش‌های بزرگسالی (Esteban, 2025).

کنند؛ مثل انتخاب فعالیت‌ها، حل مسأله و مراقبت از ابزارها و محیط اطراف خود. این فرایند زمینه‌ساز رشد عزت نفس، احساس خودبستگی و توانایی هدایت یادگیری شخصی در کودک می‌شود.

هماهنگی فعالیت با مراحل رشد کودک

در نظریه مونتئسوری، فعالیت‌ها و مواد آموزشی باید با دوره حساس رشد (Sensitive Periods) هر کودک هماهنگ باشد. مونتئسوری باور داشت که در هر کودکی، بازه‌هایی وجود دارد که استعداد یا علاقه ویژه‌ای به کسب مهارت خاصی دارد. شناخت این دوره‌ها و ارائه فعالیت مناسب با آنها، فرایند یادگیری را عمیق‌تر و اثربخش‌تر می‌کند (Demirbaga, 2018).

نقش تسهیل‌گر (نه مسلط) مربی

در این رویکرد، مربی نه به‌عنوان سخنران یا انتقال‌دهنده صرف آموخته‌ها، بلکه به‌عنوان تسهیل‌گر و ناظر فعال حضور دارد. مربی وظیفه دارد محیط را سامان دهد، کودکان را راهنمایی کند، نیازهای ویژه هر کودک را شناسایی و از دور روند یادگیری را پیگیری نماید. تنها زمانی که کودک درخواست کمک کند یا دچار دشواری شود، مربی با راهنمایی ملایم مداخله می‌کند. این رویکرد باعث تقویت قابلیت حل مسئله، خلاقیت و استقلال در کودک می‌شود.

بازی جزو جدایی‌ناپذیر جهان کودکی است و روان‌شناسان بزرگی همچون ژان پیاژه، ویگوتسکی و اریکسون به طور ویژه اهمیت بازی را در رشد ذهنی و اجتماعی کودک مطرح کرده‌اند. بر این اساس، بازی نه تنها یک وسیله سرگرمی، بلکه ابزاری قدرتمند برای انتقال مفاهیم، توسعه زبان، پرورش خلاقیت و یادگیری مهارت‌های زندگی است.

در نظریه پیاژه، بازی نمادین زمینه رشد شناختی را فراهم می‌آورد و کودک ضمن ایفای نقش‌ها، به پردازش مفاهیم انتزاعی می‌پردازد. همچنین، ویگوتسکی معتقد بود بازی، ناحیه مجاور رشد بالقوه کودک را فعال کرده و تعامل با همسالان و بزرگ‌ترها زمینه رشد اجتماعی و زبان را بهبود می‌بخشد (Ahlquist & Gynther, 2024).

ویژگی‌های برنامه درسی بازی محور

برنامه درسی بازی محور بر پایه چند ویژگی اساسی بنا نهاده شده است که هر کدام به تنهایی دارای اهمیت و به صورت ترکیبی موجب تحقق اهداف تربیتی خواهند شد:

جامعه‌ای خلاق و مستقل را پایه‌گذاری می‌کند. توجه به نیازهای فردی، تاکید بر خودانگیزگی و آزادی کودک، یادگیری فعال و توجه به تحقق رشد جامع، نقاط قوت این رویکرد به شمار می‌روند و می‌تواند مبنای اصلاح و ارتقای نظام آموزش پیش‌دبستانی قرار گیرد.

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که رویکرد مونته‌سوری با تاکید بر یادگیری فعال، محیط آموزشی غنی، نقش راهنمایانه مربی، و آزادی انتخاب فعالیت، می‌تواند شالوده محکمی برای طراحی و پیاده‌سازی برنامه درسی بازی‌محور در دوره پیش‌دبستانی فراهم آورد. شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی شامل مواردی چون فراهم‌سازی محیط متناسب، ابزارهای عملی، فعالیت‌های آزادانه، حمایت مربی، تعامل اجتماعی هدفمند و ارزیابی تکوینی، می‌تواند در تدوین برنامه‌هایی مبتنی بر تعامل، تجربه و رشد همه‌جانبه کودک مؤثر واقع شود.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان آموزشی و مربیان دوره پیش‌دبستانی با بازنگری در ساختار و محتوای برنامه‌های آموزشی، زمینه بهره‌گیری از الگوهای بازی‌محور منطبق با نظریه مونته‌سوری را فراهم آورند تا رشد شناختی، اجتماعی، عاطفی و مهارت‌های زندگی کودکان تحقق یابد.

موازین اخلاقی

در این مطالعه اصول اخلاق در پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و حفظ اطلاعات محرمانه آنها رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از کلیه شرکت‌کنندگان این پژوهش که با استقبال و بردباری، در روند استخراج نتایج همکاری نمودند، اعلام می‌دارند.

تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

فهرست منابع

- Ahlquist, E. M. T., & Gynther, P. (2024). Variation theory and Montessori education. *Journal of Montessori Research*, 10.
- Celedonio, A. M. N. (2025). Effectiveness in Integrating Play-Based Learning Within the MATATAG Curriculum to the Kindergarten Learners' Performance.

اهداف برنامه درسی بازی‌محور

یک برنامه درسی بازی‌محور چهار هدف عمده را دنبال می‌کند:

۱. **یادگیری فعال و معنادار:** تشویق به مشارکت مستقیم کودک در فرآیند آموختن.

۲. **رشد مهارت‌های زندگی:** آموزش مهارت‌هایی نظیر تصمیم‌گیری، همکاری، ارتباط و حل مسأله از طریق تجربه عملی بازی.

۳. **تقویت زمینه‌های اجتماعی و فردی:** ایجاد تعامل مؤثر با همسالان، یادگیری احترام و رعایت قوانین اجتماعی.

۴. **پرورش تفکر خلاق و انتقادی:** ایجاد فرصت برای آزمون و خطا، ارائه ایده‌های جدید و حل خلاقانه مشکلات روزمره.

ارتباط برنامه درسی بازی‌محور با نظریه مونته‌سوری

رویکرد مونته‌سوری بعد تازه‌ای به برنامه درسی بازی‌محور افزوده است؛ تمرکز بر تجربه عملی، محیط آماده‌شده و نقش تسهیل‌گر معلم باعث شد که یادگیری مبتنی بر بازی نه تنها جنبه سرگرم‌کننده و آموزشی، بلکه توسعه هویت مستقل، مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی را نیز در پی داشته باشد.

در محیط‌های مونته‌سوری، بازی با ابزار و مواد آموزشی عملاً همان یادگیری است و مرزی میان بازی و آموزش وجود ندارد. هر کودک با انتخاب ابزار یا فعالیت مورد علاقه خود، نه تنها به طور غیرمستقیم مفاهیمی مانند ریاضی، علوم، زبان، هنر و مهارت‌های زندگی را به دست می‌آورد، بلکه روح پذیرش مسئولیت و رعایت نظم را نیز تمرین می‌کند.

چالش‌ها و ضرورت‌های اجرای برنامه درسی بازی‌محور

علیرغم شواهد علمی متعدد درباره اثربخشی بازی‌محوری، اجرای این برنامه‌ها در بسیاری از کشورها (از جمله ایران) با موانعی همچون نگرش‌های قدیمی درباره آموزش جدی و کلاسیک، کمبود منابع و ابزار مناسب، نبود مربیان متخصص به رویکرد بازی‌محور، و کمبود فضای فیزیکی استاندارد همراه است. بر همین اساس، تدوین چارچوب‌های دقیق نظری و عملی و ارائه آموزش‌های لازم به مربیان، نقش مهمی در موفقیت این رویکرد خواهد داشت (Liu, 2025).

نتیجه‌گیری

در مجموع، برنامه درسی بازی‌محور با اتکا بر یافته‌های روان‌شناسی رشد، تعلیم و تربیت و نظریات برجسته‌ای چون مونته‌سوری، شالوده‌ای برای آموزش اثربخش، کودکی سالم‌تر و

- in the Preschool Period based on the Montessori Theory. *Sociology of Education*, 10(1), 141-151.
- Muthuwela, S. N., & Danthanarayanage, U. C. (2025). Play-based learning for pre-literacy and numeracy in early childhood education.
- Mwinsa, G. M., & Dagada, M. (2025). Play-based learning: A pedagogical approach for social skills development in ECE learners in Zambia. *Social Sciences & Humanities Open*, 11, 101396.
- Novida, N. A. N. F. (2025). Transformation of early childhood education teachers competencies in the digital era: A literature study on training needs in 2025. *International Journal of Teaching*, 2(1).
- Saari, A., & Baker, B. M. (2025). Signature of Attention: Historical Ambiguities and Elisions in Contemporary Psychological Framings of Attending. *Educational Theory*.
- Demirbaga, K. K. (2018). A comparative analysis: Vygotsky's sociocultural theory and Montessori's theory. *Annual review of education, communication & language sciences*, 15(1), 113-126.
- Esteban, A. (2025). Advancing Early Childhood Education: Exploring Core Foundations, Approaches, and Innovative Strategies. *Approaches, and Innovative Strategies* (May 12,
- Fox, E. G., Lang, S. N., & Tebben, E. (2025). Planning for play in early childhood classrooms. *Early Childhood Education Journal*, 53(1), 233-244. 2025).
- Hasan, S., Silva, A., & Sima, I. (2025). Play-Based Learning in Early Childhood Education and Care (ECEC): Practical Guidebook for Educators.
- Liu, J. (2025). The Effects of Early Childhood Education on Long-Term Cognitive and Social Outcomes. In *SHS Web of Conferences* (Vol. 213, p. 02026). EDP Sciences.
- Mirshamsi, H., Abadi, N. M. A., & Asli, A. A. (2024). Identifying the Dimensions and Components of the Play-Based Curriculum